

کوک‌های عاشقانه



در میان حلقه دخترهای قدونیم‌قد، آرام‌تر از همه نشسته است. سوزن را بین انگشتانش می‌چرخاند، تکه‌های نم‌دراکنار هم می‌گذارد و بی‌آنکه صدایش را بلند کند، مرحله به مرحله دوخت آه‌ور آموزش می‌دهد. هرچند دقیقه یک بار، یکی از دخترها عروسکش را جلو می‌آورد تا نظرش را بپرسد. او با حوصله کوک‌ها را نگاه می‌کند. اگر جایی کج باشد، همان جا باز می‌کند و دوباره یاد می‌دهد. دخترها هم با دقت به دست‌هایش نگاه می‌کنند و قدم به قدم، دوختن را یاد می‌گیرند.

نتیجه این صبوری، دوخت آه‌وهای نم‌دی است که کمتر می‌توان ایرادی از آن‌ها گرفت. معصومه امیدوار اعتقاد دارد کیفیت، از تعداد مهم‌تر است. به دخترها همیشه یک جمله را تکرار می‌کند: «کمتر بدو زید، اما تمیز و با حوصله؛ این عروسک قرار است هدیه امام رضا^(ع) به یک کودک باشد».

او می‌خواهد وقتی این آه‌وها به دست زائران کوچک می‌رسد، فقط یک اسباب‌بازی نباشد؛ یادگاری باشد که شاید سال‌ها در گوشه اتاق یک کودک بماند و هر بار که نگاهش می‌کند، خاطره سفر به مشهد و مهریانی امام‌رئوف را برایش زنده کند. شیرین‌ترین تصویر ذهن او امانه میان نم‌دها و سوزن‌ها، که در خانه شکل می‌گیرد؛ جایی که دختر کوچکش، فاطمه، با عروسکی که مادر برایش دوخته، ساعت‌ها بازی می‌کند. هنوز پنج سالش کامل نشده، اما هر بار عروسک تازه‌ای هدیه می‌گیرد. آن را محکم در آغوش می‌فشارد؛ انگار گنجی بزرگ نصیبش شده است.

برای همه فرزندان ایران

حالا هر شب، نزدیک دو ساعت در اجتماع شبانه مردم در بولوار پن‌جتن شرکت می‌کند. از آموزش رد کردن نخ از سوزن گرفته تا ریزترین نکته‌های دوخت، همه را با حوصله به دخترهایی یاد می‌دهد که برای اولین بار سوزن به دست گرفته‌اند. اگر یکی از آن‌ها ناامید شود، کنارش می‌نشیند، دستش را می‌گیرد و دوباره از اول آموزش می‌دهد. باور دارد هیچ کودکی نباید احساس کند از عهده این کار بر نمی‌آید. او می‌گوید: گاهی یک دختر هفت هشت ساله، بعد از چند بار تلاش، اولین آه‌ور کامل می‌کند. ذوقی که در صورتش می‌بینم، برایم از هر یاداشتی ارزشمندتر است.

برای این ساعت‌هایی که صرف آموزش می‌کند، نه دستمزدی می‌خواهد و نه چشمداشتی دارد. حتی وقتی صحبت از حاجت می‌شود، خواسته‌های شخصی‌اش را کنار می‌گذارد. می‌گوید: همین که امام رضا^(ع) از این کار راضی باشند و خداوند ظهور حضرت ولی عصر^(عج) را نزدیک‌تر کند، برای من کافی است. بعد از مکتی کوتاه، از آرزویی می‌گوید که سال‌هاست در دلش جا خوش کرده است: آرزویی که فقط به دختر کوچکش، فاطمه، یاد و پسر نو جوانش محدود نمی‌شود. لب‌خند می‌زند و آرام می‌گوید: من عاقبت به خبری را فقط برای بچه‌های خودم نمی‌خواهم؛ دعا می‌کنم همه فرزندان این سرزمین در پناه اهل بیت^(ع) سالم، خوشبخت و عاقبت به‌خیر باشند.



از آغوش فاطمه تا دل زائران

مسئولیت آموزش دوخت آه‌وهای نم‌دی در پویش «آه‌وانه» بر عهده اوست؛ مسئولیتی که با عشق پذیرفته و هر شب، بخشی از وقتش و تجربه چندین ساله‌اش در حرفه خیاطی را برای آن کنار می‌گذارد. از سال‌هایی می‌گوید که این پویش برای نخستین بار برگزار شد و او هم توفیق حضور در آن را داشت. به همین دلیل، وقتی شنید قرار است امسال دوباره این حرکت در محله شهید قربانی جان بگیرد، لحظه‌ای برای تصمیم گرفتن درنگ نکرد: «با خودم گفتم اگر هنر دوختن بدم، بهترین جا برای خرج کردنش همین جاست؛ جایی که بتواند دل کودکی را شاد کند».

معصومه امیدوار، بانوی هنرمند محله شهید قربانی، بارها این ذوق کودکان را دیده است. برق چشم‌های فاطمه، لب‌خندهای از ته دلش و حرف‌هایی که با عروسک‌هایش می‌زند، باعث شده امروز همه زائران خردسال امام رضا^(ع) را مثل دختر خودش ببیند. می‌گوید: هر وقت آه‌وهای دوزیم، ناخودآگاه فاطمه جلو چشمم می‌آید. با خودم فکر می‌کنم کودکی که این عروسک را هدیه می‌گیرد، شاید درست مثل دختر من، آن را در آغوش بگیرد و خوشحال شود. همین تصور، خستگی را از تنم بیرون می‌کند.

دستان کوچک و دل‌های بزرگ



خانم یوسفی، مادر فاطمه محسنی
از طریق فضای مجازی متوجه شدیم که چنین برنامه‌ای در محله برگزار می‌شود و قرار است بچه‌ها برای کودکان زائر آه‌وهای نم‌دی بدوزند. وقتی دوباره این کار یاد دخترم صحبت کردم، استقبال کرد و دوست داشت در این کار سهیم باشد. فاطمه که هفت سال و نیم دارد، با علاقه همراه من آمد و کم‌کم در کنار دیگر بچه‌ها مشغول دوختن آه‌وها شد.

به نظرم بین هدیه‌ای که یک کودک با دست‌های خودش آماده می‌کند و یک اسباب‌بازی آماده از بازار، تفاوت زیادی وجود دارد. پشت این عروسک‌ها زمان، محبت و نیت خیر بچه‌هایی است که با دست‌های کوچکیشان برای خوشحال کردن یک کودک دیگر تلاش کرده‌اند. همین حس می‌تواند روی کسی که این هدیه را دریافت می‌کند، تأثیر زیادی بگذارد.

فکر می‌کنم حضور بچه‌ها در چنین برنامه‌هایی، روحیه جهادی و حس مسئولیت‌پذیری را در آن‌ها تقویت می‌کند. اینکه کودک یاد بگیرد برای خوشحال کردن دیگران وقت بگذارد و از راحتی خودش بگذرد، خاطره‌ای ماندگار برایش می‌سازد. مطمئنم فاطمه در آینده با افتخار یادش می‌آید که در یک کار خیر و مردمی برای زائران امام رضا^(ع) سهمی داشته است.

نخ‌های رنگی فاطمه برای ضامن آهو



فاطمه معصومه سادات اسحاقی، ۹ ساله
یک شب همراه مادرم به اجتماع محله آمدم و دیدم بچه‌ها مشغول دوختن آه‌وهای نم‌دی هستند. جالب بود. تصمیم گرفتم کنار آن‌ها بنشینم و کمک کنم. اول دوختن بلد نبودم و فقط داخل آه‌وها پشم شیشه می‌گذاشتم. اما دوست داشتم خودم هم بتوانم بدوزم. برای همین از خانم امیدوار خواستم به من یاد بدهند و بارها هنمایی ایشان کم‌کم دوختن را یاد گرفتم.

حالا خودم آهو می‌دوزم و تا امروز حدود بیست آهو آماده کرده‌ام. چند تا از آن‌ها را هم به خانه برده‌ام تا آنجا هم بدوزم. از وقتی مشغول این کار شده‌ام، کمتر سراغ بازی با گوشی مامانم می‌روم و بیشتر وقتم را با دوختن آه‌وهای گذرانم. گاهی هم هنگام دوختن، برنامه‌های شبکه پویا را تماشا می‌کنم.

خیلی خوشحالم که می‌توانم برای امام رضا^(ع) کاری انجام بدهم. وقتی فهمیدم این آه‌وها قرار است به بچه‌های زائر هدیه داده شود، خوشحال‌تر شدم. در خانه هم گاهی برای خواهرم آهو می‌بزم و به دوستانم هم گفته‌ام بیایند و در این کار قشنگ شرکت کنند.

هر کوک نذر یک لب‌خند



میینا شمس، ۱۴ ساله
مامانم از طریق فضای مجازی متوجه شد که قرار است چنین برنامه‌ای در محله برگزار شود. چند نفر از دوستانم هم درباره این کار شنیده بودند و می‌گفتند می‌توانیم در آن مشارکت کنیم. من هم از همان شب اول در این پویش همراه شدم. حالا تقریباً هر شب برای دوخت آه‌وهای نم‌دی به اتفاق خواهرم حلما و مادرم اینجا هستیم.

از قبل کمی دوخت و دوز بودم و از کلاس سوم این کار را یاد گرفته بودم. اما دوختن آه‌ور برای اولین بار در همین برنامه تجربه کردم. اول فکر می‌کردم سخت باشد، ولی وقتی یاد گرفتم، فهمیدم چقدر لذت بخش است. هر شب چند تا اینجا می‌دوزیم و هشت تا آهو هم به عشق امام هشتم از خانم مهدوی تحویل می‌گیریم و می‌بریم توی خانه می‌دوزیم. این طوری هم حوصله من سر نمی‌رود هم کار را بهتر یاد می‌گیریم. وقتی فهمیدم این عروسک‌ها قرار است به کودکان زائری که برای شهادت امام رضا^(ع) به مشهد می‌آیند هدیه داده شود، انگیزه بیشتری پیدا کردم. هر بار که سوزن دست می‌گیرم، کودکی را تصور می‌کنم که قرار است این هدیه را دریافت کند. فکر می‌کنم هدیه‌ای که با عشق و وقت آدم‌ها ساخته می‌شود، حس متفاوتی دارد و می‌تواند خاطره خوبی برای بچه‌ها بسازد.